



## نکته‌های ننگ بر چهره تاریخ

طبق مصوبات «مجمع کلمون» بناشده بود که روز پانزدهم اوت ۱۰۹۶ که مصادف با روز صعود حضرت مسیح بوده لشکر صلیب، بسوی قسطنطنیه حرکت، و از آنجا بطور دسته جمعی بسوی بیت المقدس، عزیمت نماید!

و بهمین مناسبت، قریب «یک میلیون نفر» از مسیحیان متعصب، با ساز و برگ نظامی، در روز موعود بسوی قسطنطنیه حرکت کردند و بقول «آن کهن»: «گوئی که تمام اروپا از جا کنده شده بود!» (۱)

ولی تشنگی و گرسنگی سر بازان در بین راه از طرفی، و جنگ‌هایی که سلاطین «سلجوقی» در سر راهشان با آنان نمودند، از طرفی دیگر، و شیوع امراضی از قبیل وبا و طاعون، از جانب سوم، عواملی بودند که بقدری تعداد آنان را کاهش دادند که هنگامیکه در ۶ ژوئن ۱۰۹۹ یعنی پس از سه سال، سپاه صلیب، وارد بیت المقدس گردید، تعداد آن، بیش از چهل هزار نفر نبود! (۲)

سپاه صلیب، پس از چهل روز، محاصره شهر سرانجام در بیست و سوم شعبان ۴۹۳ هجری برابر ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹ میلادی بیت المقدس را فتح کرده وارد شهر گردید.  
**قتل عام مردم!**

مسیحیان بشر دوست! بقدری در این جنگ، مرتکب جنایت و آدم کشی و اعمال شرم آور شدند که حتی نویسندگان منصف مسیحی نیز نتوانستند فجایع ننگین آنان را نادیده گرفته عذری برای اعمال خلاف انسانی آنان، بتراشند. «آلبرماله» در تاریخ عمومی خود، راجع به جنایات سپاه صلیب، مینویسد: «گودفروآدو بویون» فرمانده سپاه صلیب، در گزارش خود به پاپ، چنین نوشت: اگر میخواهید بدانید بادشمانیکه (مسلمانان) در بیت المقدس، بدست

ما افتادند ، چه معامله شد ، همینقدر بدانید که کسان ما در رواق سلیمان و در معبد ، در لجه ای از خون مسلمانان ، می تاختند و خون تازانوی مرکب ، میرسید !

تقریباً ده هزار مسلمان در معبد ، قتل عام شد و هر کس در آنجا رامیرفت ، تابندپایش را خون میگرفت !

از کفار (مسلمانان) هیچکس جان سلامت نبرد و حتی زن و اطفال خردسال را هم ، معاف نمودند !

پس از کشتار ، نوبت بغارت ، رسید ، کسان ما چون از خون ربزی سیر شدند ، بخانهها ریختند و هر چه بدستشان افتاد ، ضبط کردند ، هر کس (چه فقیر و چه غنی) بهر جا وارد میشد آنرا ملک طلق خود ، میدانست ، و این رسم چنان رایج بود که گوئی قانونی است که باید مو به مو رعایت شود . ۱۰ ، ۱ (۱)

«ویل دورانت» مورخ معروف آمریکائی در تاریخ تمدن خود ، از کسانیکه شاهد ماجرای اسفانگیز قتل عام مردم بیت المقدس بدست صلیبیین بوده اند چنین نقل میکند : «چیزهای بدیعی از هر سو بچشم میخورد ، جمعی از مسلمین را سراز تن جدا ساختند ، گروهی دیگر را باتیر ، بقتل آوردند ، و با مجبور کردند که از برجهای خود را بزیر افکنند ، عده ای را چندین روز شکنجه دادند و آنگاه در آتش سوزانیدند ، در کوچهها تودههایی از کله و دست و پاهای مقتولین دیده میشد ، هر طرف انسان مرکب را می میکرد ، در میان اجساد مقتولین و لاشه اسبان بود !

زنان را با ضرب دشنه ، میکشند ، ساق پای اطفال شیرخوار را گرفته بجبر ، آنها را از پستان مادرانشان جدا می ساختند و به بالای دیوارها ، پرتاب میکردند و با با کوفتن آنها ، برستونها ، گردنشان را میشکستند و در نتیجه ۷۰۰۰ نفر مسلمان را که در شهر مانده بودند بهلاکت رساندند !

یهودبانی را که جان سالم بدر برده بودند ، در کنیسه ای جمع کردند و همه را زنده زنده سوزانیدند ! (۲)

«جان دیون پورت» در این باره مینویسد : « .. مهاجمین با شمشیر کشیده وارد شدند و کسی را باقی نگذاشتند !

اسلحه ای که باید حافظ و نگهدار مردان شجاع و وسیله تسلیم و انقیاد مردم ترسو ، باشد در راه کشتار پیرو جوان و زن و مرد ، و به عبارت دیگر در راه قتل عام ، بکار برده می شد ، نه بر کوچک رحم میکردند و نه بزرگ . نه بر زن و نه بر مرد ، با همان شمشیری که بدن مادران را سوراخ میکردند ، کودکان را نیز با همان ، نابود میکردند ، کوچه های بیت المقدس از

تل‌های مقتولین پوشیده شده بود، و صدای ناله و ضجه و فریادهای یأس و نومیدی از هر خانه‌ای بلند بود! (۱)

همین نویسنده از یکی از نویسندگان اروپائی بنام «کلارک» دربارهٔ فجایع ننگین سپاه صلیب، چنین نقل میکند: بطور قطع و مسلم، جهان اخلاق، خیر و برکتی از جنگجویان صلیبی، ندید، زیرا قوای مهاجم هیچ ملتی در هیچ عصر و زمانی در هرزگی و شرارت و بی‌شرمی و شهوت‌رانی و فسق و فجور، بیشتر از این دسته که بنام جنگ مقدس! رفته بودند نبوده است!

جنگجویان صلیبی، مارک ابدی روی موهوم پرستی و خرافات عمومی گذاشتند، خفیف‌ترین و شدیدترین نمونه‌های تعصب را تشویق و ترویج کردند، جنگ، یک وظیفهٔ مقدسی شده بود و بجای دعا و احسان و کارهای خیر، قتل نفوس (مسلمین) و خونریزی، کفارهٔ گناهان و خطیئات، شناخته‌میشد! (۲)

«رنه گروسه» عضو آکادمی فرانسه، در کتاب خود، راجع به اعمال غیر انسانی صلیبی‌ها، مینویسد: «شهر (بیت المقدس) فتح شد ولی مناسفانه این پیروزیها قتل‌عام بیرحمانه و وحشتناکی را در پی داشت، قتل عامی که هم بر خلاف سیاست و هم بر خلاف انسانیت بود!!» (۳)

«گوسن اولویون» مستشرق معروف مسیحی در کتاب «تمدن اسلام و عرب» دربارهٔ اعمال جنایتکارانهٔ صلیب، چنین مینویسد: «در گذرها و میدانهای بیت المقدس، از سرها و دستها و پاها، تلهائی تشکیل یافته، از روی آنها عبور میکردند مجروحین را در آتش میسوزانیدند، ده هزار نفوسی که به مسجد عمر، پناه برده بودند، تمام آنها را طعمهٔ شمشیر، قرار دادند! درهیکل سلیمان (معبد قدیم) خون، بقدری جاری بود که لاشه‌های مقتولین، در آن غوطه‌ور بودند!

اعضاء جدا شده مثل دست و پا و غیره و نیز بدنهای بدون اعضاء، آنقدر جمع شده و روی هم ریخته بودند که هیچ نمیشد آنها را از هم تمیز داد، حتی سپاهبانی که مباشر چنین قتل عامی بودند از بخار خون زیاد، فوق‌العاده در زحمت بودند!

مجاهدین صلیب، باین قتل‌عام ابتدائی اکتفا نکرده مجلسی تشکیل دادند و در آن، تصمیم گرفتند که تمام سکنهٔ بیت المقدس را اعم از مسلمان و یهود و عیسویان و فرقه‌های دیگر، همه را اذم شمشیر، بگذرانند، و این قتل‌عام تا هشت روز، ادامه داشت و بالاخره آدم‌زنده‌ای را در این ناحیه باقی نگذاشتند!

(۱-۲) عذرت‌تصیر به پیشگاه محمد و قرآن ص ۱۳۹-۱۳۸

(۳) جنگهای صلیبی از سری چه میدانم ۴ ص ۳۸

صلیبیان، محض تفریح و اینکه از کسالت و خستگی زحمات چندروزه قتل‌عام، بیرون آیند، بیک رشته اعمال شنیعه و اعمال نفرت آور ننگینی دست زدند که حتی مورخین مسیحی آنرا تقبیح کرده‌اند، (۱)

همین نویسنده مسیحی در مورد دیگر مینویسد: «قبائح اعمال و کردار مجاهدین صلیب در تمام این لشکر کشیها حقیقتاً آنها را در ردیف درنده‌ترین و بیش‌عورت‌ترین وحشیهای روی زمین قرار داده بود ...»

سپاه صلیب، پایه قساوت و بیرحمی و خونخواری را بجائی رسانید که در غیر از مذهب یهود، نظیر آنرا بین اهل هیچ مذهبی نمیتوان پیدا کرد، راست است که قبل از زمان جنگ صلیبی هم، بازار بیرحمی و بی‌انصافی مذهبی رواج زیادی داشت ولی منتهی بسفاکی و خونریزی نشده بود، لیکن در جریان جنگهای مزبور، ظلم و جنایت مذهبی، حقیقتاً بدرجه جنون رسیده بود!

کشیشان مسیحی تا آن حد بخونریزی عادت کرده بودند که باهمه، همان قساوت و جور را ابراز مینمودند که ابتدا در برابر کفار و بت‌پرستان، معمول میداشتند، اینان در مقابل یک تقصیر مختصر و کوچکی، شدیدترین عقوبتها را روا میداشتند، (۲)

خواننده محترم، باید توجه داشته باشد که اینهمه جنایات و وحشیگریها که از مسیحیان بشر دوست نقل شده تنها مر بوط به جنگ اول صلیبی بوده و در جنگهای بعدی نیز کم و بیش، فجایع ننگینی از آنها سرزده که بقول «گوستاولوبون» «هر گاه مورخی بخواهد تمام آنها را برشته تحریر، درآورد، دیگران می‌پندارند که آن مورخ، نظر هجو و نسبتهای ناروا دارد، نه بیان واقعیات!

گرچه ما فعلاً در صدمه قایسه منطق اسلام و روش زمامداران اسلامی با رفتار و منطق مسیحیت در مدارای بافرقه‌های مذهبی دیگر نیستیم و فقط می‌خواهیم خوانندگان محترم از «آزادی مذهبی» در آئین مسیحیت و روش عملی آنان، مطلع گردند ولی نقل این دو جمله را در خاتمه این بحث از دو نویسنده مسیحی ضروری میدانیم:

«جان دیون پورت» مینویسد: «وقتیکه صلاح‌الدین، سلطان سوریه برای بار دوم، این شهر (بیت المقدس) را پس گرفت، بعد از تسلیم شدن شهر حتی یکنفر کشته نشد و حداکثر ترحم را نسبت به اسیران مسیحی ابراز کرد» (۳)

«گوستاولوبون» مینویسد: «رفتار صلیبیان، با مردم بیت المقدس، بکلی مخالف با آن رفتاری بود که عمر خلیفه دوم، در چند قرن پیش، بانصارا و مردم آنجا نموده بود» (۴)

(۲۰۱) تمدن اسلام و عرب (۳) عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن ص ۱۳۹

(۴) تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۴۱۰ - ۴۰۷ - ۴۲۲